



آموزه ۵: بیداد ظالمان



۱- هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد / هم رونق زمان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: رونق: فروغ، زیبایی، شکوه / زمان: زمانه، دوران / **قلمرو ادبی:** قالب: قصیده / وزن: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (رشته انسانی) / شما نیز بگذرد: ردیف/ جهان: مجاز از زندگی / مرگ بر جهان کسی گذشتن: کنایه از فرارسیدن مرگ او / مرجع شما: فرمانروایان و توانگران ستمگر بازگردانی: سرانجام مرگ به سراغ شما خواهد آمد و شکوه روزگار شما نیز روزی به پایان خواهد رسید.

پیام: به سر آمدن ستم

۲- وین بوم محنت از پی آن تا کند خراب / بر دولت آشیان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: وین: و این / بوم: جغد، نماد شومی / محنت: اندوه، غم / از پی: برای، به خاطر / دولت: زمان فرمانروایی، دارایی / آشیان: آشیانه / دولت آشیان: دولت سرا، آشیانه خوشبختی / **قلمرو ادبی:** بوم: نماد شومی / بوم محنت: اضافه تشبیهی / بوم محنت بر آشیان کسی گذشتن: کنایه از نابودی قدرت و اعتبار " / دولت آشیان: ترکیب تشبیهی بازگردانی: اندوه، جغد شوم ویرانگری است که به ما بسنده نمی کند شما را نیز نابود خواهد کرد.

پیام: گرفتار اندوه شدن بیدادگران

۳- آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام / بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: اجل: مرگ (شبه هم آوا: عجله) / خاص: درباریان / عام: توده مردم / حلق: گلو / **قلمرو ادبی:** آب اجل: اضافه تشبیهی / گلوگیر: کنایه از " نابود کننده، خفه کننده، کشنده / خاص و عام: آرایه تضاد، مجاز از " همه مردم / گلو، حلق، دهان: تناسب / آب اجل بر حلق کسی گذشتن: کنایه از " مرگ و نابودی او" / تلمیح به آیه " کل نفس ذائقة الموت " هر نفسی چشنده مرگ است. بازگردانی: مرگ که نابودکننده همگان است، روزی شما را نیز نابود خواهد کرد.

پیام: نابودی ستمگران

۴- چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد / بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: چون: به علت آن که / داد: عدل و انصاف / به جهان در: دو حرف اضافه برای یک متمم / بقا نکرد: باقی نماند / بیداد: ظلم و ستم / **قلمرو ادبی:** داد و بیداد، عادلان و ظالمان: تضاد / واج آرایه: "د" و "ن" بازگردانی: همانگونه که عدل و داد انسان‌های دادگر در جهان باقی نمی‌ماند، پس ستم ستمگران نیز بی گمان از بین رفتنی خواهد بود.

پیام: همه چیز در این جهان نابودشدنی است

۵- در مملکت چو غرش شیران گذشت و رفت / این عوعو سگان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: مملکت: کشور / غرش: بانگ، فریاد، خروش / **قلمرو ادبی:** شیران: استعاره از " دلیران و مردان دادگر" / عوعو: واق واق، " نام آوا"، استعاره از «قدرت‌های ظاهری» / سگان: استعاره از " مزدوران ستمگران" / غرش و عوعو، سگان و شیران: تضاد / گذشت و بگذرد: اشتقاق (رشته انسانی) / واج آرایه «ش» بازگردانی: چون بانگ و خروش انسان‌های دلیر گذشت و رفت، این صدای گوش خراش شما انسان‌های پست نیز رفتنی است.

پیام: نابودی دستیاران ستمگران

۶- بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت / هم بر چراغدان شما نیز بگذرد



قلمرو زبانی: بسی: بسیار / کشتن: خاموش کردن / چراغدان: جای نهادن چراغ / **قلمرو ادبی:** باد: استعاره از " مرگ " / شمع: استعاره از " انسان ها " / باد، شمع: تضاد(باد شمع را می‌کشد) / چراغدان: استعاره از " زندگی و وجود / شمع، چراغدان: تناسب / باد بر شمع و چراغدان وزیدن: کنایه از " مرگ و نابودی " / تلمیح به آیه: کَلْ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (هر نفسی چشنده مرگ است).
بازگردانی: مرگ همچون بادی است که انسان‌ها را می‌کشد. این باد شما را نیز نابود خواهد کرد.

پیام: مرگ ستمگران

۷- زین کاروانسرا بسی کاروان گذشت / ناچار کاروان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: کاروانسرا: تیم، جایی در راه که کاروانها در آنجا اقامت می‌کنند / بسی: بسیار / کاروان: گروه مسافرانی که با هم سفر می‌کنند / **قلمرو ادبی:** کاروانسرا: استعاره از گیتی
بازگردانی: فرمانروایی‌های بسیار در این جهان آمدند و رفتند. ناچار شما نیز روزی نابود خواهید گشت.

پیام: تباهی کاروان ستمگران

۸- ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن / تأثیر اختران شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: مفتخر: سربلند، صاحب افتخار / طالع: سرنوشت، بخت / مسعود: فرخنده / اختر: ستاره / **قلمرو ادبی:** اختر: ستاره، استعاره از عوامل خوشبختی / تأثیر اختران شما نیز بگذرد: کنایه از این که بخت نیک شما نیز به پایان خواهد رسید / طالع، اختران: تناسب / واج آرایی «ت» / تلمیح به حدیث: الدهرُ یومان یومٌ لک و یومٌ علیک (روزگار دو روز است: روزی به سود تو و روزی به زیان تو).
بازگردانی: ای کسی که به بخت نیک خود می‌نازی، این بخت فرخنده شما نیز به پایان خواهد رسید.

پیام: ناپایداری طالع خجسته

۹- بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم / تا سختی کمان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: جور: ستم / **قلمرو ادبی:** تیر جور: اضافه تشبیهی / از تحمل سپر کنیم: تشبیه پنهان / کمان: مجاز از " قدرت، زور " / سختی کمان: کنایه از توان و زورمندی، ورزیدگی در تیراندازی / تیر، سپر، کمان: تناسب / تیر، سپر: تضاد
بازگردانی: با سپر بردباری و تحمل در برابر ستم و ظلم تیر مانند شما (ستمگران) پایداری می‌ورزیم تا روزگار کشورداری شما نیز به پایان برسد.

پیام: شکیبایی در برابر ستم

۱۰- ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع / این گرگی شُبان شما نیز بگذرد

قلمرو زبانی: تو: منظور کشورداران ستمگر / رمه: گله / طبع: سرشت (شبه هم‌اوا: تبع: پیروی) / سپردن: واگذار کردن (بن ماضی: سپرد، بن مضارع: سپار) / گرگی: درندگی، ستمگری / شُبان: چوپان / **قلمرو ادبی:** رمه: استعاره از " توده مردم " / چوپان: استعاره از " کارگزاران ستمگر " / گرگ طبع: درنده خو، تشبیه / شُبان: استعاره از " کارگزاران ستمگر " / گرگ و رمه، چوپان، شُبان: تناسب / رمه، گرگ: تضاد / چوپان گرگ طبع: گونه‌ای متناقض نما / گرگی: کنایه از ستمگری و درندگی
بازگردانی: ای کسانی که مردم را به دست کارگزاران ستمگر درنده خو سپرده‌اید [آگاه باشید] که این ستمگری شما نیز روزی به پایان خواهد رسید.

پیام: نابودی کارگزاران بیدادگران

سیف فرغانی(سده هفتم)

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱- در شعری که خواندید، پنج واژه مهم املائی بیابید و بنویسید.

رونق / محنت / اجل / خاص و عام / حلق / بقا / غرّش / طالع / طبع /

۲- تفاوت معنایی فعل «کُشت» را در ابیات زیر توضیح دهید.



گفتم که نوش لعلت ما را به آرزو **کشت** / گفتا تو بندگی کن کاو بنده پرور آید (کشت: نابود کرد)

بادی که در زمانه بسی شمع‌ها **بکشت** / هم بر چراغان شما نیز بگذرد (کشت: خاموش کرد)

۳- برای هر واژه مشخص شده، یک مترادف از متن درس بیابید.

بر در **بخت** بد فرود آید / هر که گیرد عنان مرکبش، آز (ناصرخسرو) / **بخت**: طالع

همت بلند دار که نزد خدا و خلق / باشد به قدر همت تو **اعتبار** تو (ابن یمین) / **اعتبار**: ارج، ارزش

قلمرو ادبی

۱- قافیه و ردیف را در بیت نخست این سروده مشخص کنید.

قافیه: زمان، جهان / ردیف: شما نیز بگذرد

۲- در بیت زیر، کنایه‌ها را بیابید و مفهوم آنها را بنویسید.

بر تیر جورتان ز تحمل سپر کنیم / تا سختی کمان شما نیز بگذرد

سختی کمان: کنایه از نیرو و زورمندی

۳- به بیت زیر توجه کنید:

برکن ز بن این بنا که باید / از ریشه بنای ظلم برگند (محمّدنقی بهار)

در مصراع اول، مقصود شاعر از «بنا»، مفهوم «ظلم» است؛ یعنی شاعر، «ظلم» را به «بنا» تشبیه کرده است؛ سپس به سبب شباهت آن دو به هم مشبّه (ظلم) را حذف کرده و فقط مشبّه به (بنا) را ذکر کرده است تا شباهت را تا مرحله یکی شدن نشان دهد؛ به این تصویر خیال انگیز، «استعاره» می‌گویند.

در استعاره، یک طرف تشبیه (مشبّه یا مشبّه به) ذکر نمی‌شود.

مثال برای حذف «مشبّه به»: خورشید شکفت.

«خورشید» به «گل» تشبیه شده است و «شکفتن» از ویژگی‌های گل است که به خورشید نسبت داده شده است.

در بیت پنجم، استعاره‌ها را مشخص کنید و مفهوم هر یک را بنویسید.

شیران: استعاره از " دلیران و مردان دادگر " / **عوعو**: واق واق، " نام آوا"، استعاره از «قدرت‌های ظاهری» / **سگان**: استعاره از " مزدوران ستمگران "

قلمرو فکری

۱- با توجه به توضیح زیر، معنی و مفهوم بیت اول درس را به نثر روان بنویسید.

سیف الدین محمد قرغانی، در سده هفتم هجری، هنگامی که شهرهای بزرگ و آباد ایران، در آتش بیداد مغولان می‌سوخت، این شعر را سرود. سیف در این سروده، از رفتار ظالمانه فرمانروایان و تاخت و تاز سپاه مغول، با بیان کوبنده‌ای انتقاد می‌کند.

بازگردانی: ای مغولان بیدادگر، سرانجام مرگ به سراغ شما خواهد آمد و شکوه روزگار شما نیز روزی به پایان خواهد رسید.



۲- بیت زیر، مقصود شاعر از «رمه»، «چوپان گرگ طبع» و «گرگی شبان» چیست؟

ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع / این گرگی شبان شما نیز بگذرد

رمه: مردم، ملت / چوپان گرگ طبع: کارگزاران ستمگر و درنده خو / گرگی شبان: ستمگری کارگزاران

۳- از متن درس، برای حدیث و آیه زیر، نمونه بیتی مرتبط بیابید و بنویسید.

■ الذَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. (امام علی) [روزگار دو روز است: روزی به سود تو و روزی به زیانت.]

۸- ای مفتخر به طالع مسعود خویشتن / تأثیر اختران شما نیز بگذرد

■ كُلُّ نَفْسٍ ذَانِقَةُ الْمَوْتِ. سوره آل عمران [هر کس مرگ را چشیده است.]

۳- آب اجل که هست گلوگیر خاص و عام / بر حلق و بر دهان شما نیز بگذرد

۴- سروده زیر، یادآور کدام بیت درس است؟

ما بارگه دادیم، این رفت ستم بر ما / بر قصر ستمکاران، گویی چه رسد خذلان (خاقانی)

۴- چون داد عادلان به جهان در، بقا نکرد / بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

خدلان: خواری، پستی

استعاره

هر گاه واژه‌ای به دلیل شباهتی که با واژه دیگر دارد به جای آن به کار رود، استعاره پدید می‌آید. استعاره گونه‌ای تشبیه است که در آن مشبّه یا مشبّه‌به سترده شده باشد. اگر مشبّه بیفتد، استعاره آشکار و اگر مشبّه‌به بیفتد، استعاره پنهان پدید می‌آید. به دیگر سخن، استعاره پنهان مشبّه‌ی است که با یکی از ویژگی‌های مشبّه‌به آمده باشد.

هم بر کشته‌های ما جز باران رحمت خود مبار. ☀️ معنای لفظی ← کشته: فرآورده، محصول.

☀️ معنای استعاری ← منظور از «کشته» معنای لفظی آن نیست؛ بلکه مقصود «کردار بندگان» است. کردار بندگان همچون «کشته» ایشان است (آشکار).

🌳 در اضافه استعاری جزء یا ویژگی مشبّه‌به به مشبّه اضافه می‌شود. مانند: شاخه معرفت؛ معرفت مانند درختی است که شاخه‌ها دارد. در بنیاد این اضافه این گونه بوده است: شاخه درخت معرفت (ترکیب وصفی، اضافه استعاری نمی‌شود).

هر استعاره‌های پرکاربرد: نرگس: چشم، سنبل: گیسو، حقه: دهان، کمان: ابرو، گل: چهره/گونه، لعل: لب، در/ مروارید: دندان، ناوک: مژه، سرو: قد، چرخ: آسمان، بت: یار/ دلیر.

جان بخشی (انسان انگاری / تشخیص)

هر گاه با نسبت دادن کنش، حالت یا صفتی انسانی به غیر انسان، به آن جلوه انسانی ببخشیم، آدم انگاری پیکر می‌پذیرد. جان بخشی گونه‌ای استعاره پنهان است.

هم طعنه بر طوفان مزن، ایراد بر دریا مگیر، بوسه بگرفتن ز ساحل موج را دیوانه کرد.



﴿ دیوانگی و بوسه گرفتن به موج باز خوانده شده است و بوسه گرفتن موج، بوسه دادن ساحل را به همراه دارد؛ پس در مصراع دوم به ساحل و موج حالت و رفتاری انسانی نسبت داده شده است.﴾

انواع اضافه: اضافه تشبیهی، اضافه استعاری، اضافه اقترانی

همای رحمت

۱- علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را / که به ماسوا فکندی همه سایه هما را

قلمرو زبانی: آیت: نشانه / «را»ی نخست: حرف اضافه؛ به معنای «برای» / ماسوا: مخفف ماسوی الله؛

آنچه غیر از خداست، همه مخلوقات / رحمت: مهربانی، بخشش / فکندی: افکندی، انداختی / **قلمرو ادبی:**

قالب: غزل / وزن: فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن (رشته انسانی) / قافیه: خدا، هما / ردیف: را / هما: پرنده‌ای از راسته شکاریان، دارای جثه‌ای نسبتاً درشت. در زبان پهلوی به معنی فرخنده است و به همین دلیل نماد خوشبختی و سعادت به شمار می‌آید، استعاره از حضرت علی؛ نماد خوشبختی / سایه بر کسی افکندن: کنایه از این که کسی را مورد عنایت قرار دادن

بازگردانی: ای علی، ای پرنده رحمت و خوشبختی، تو چه نشانه‌ای از خدا هستی که سایه رحمتت را بر همه جهان هستی افکنده‌ای.

پیام: بزرگداشت حضرت علی

۲- دل اگر خدانشناسی همه در رخ علی بین / به علی شناختم من به خدا قسم خدا را

قلمرو زبانی: رخ: چهره / به خدا قسم: به خدا سوگند می‌خورم، حذف به قرینه معنایی / **قلمرو ادبی:** دل: ای دل، جانبخشی، مجاز از انسان / دل، رخ:

تناسب / خدا، علی: واژه آرایبی / واج آرایبی: «خ»

بازگردانی: ای دل اگر می‌خواهی خداوند را بشناسی، به حضرت علی بنگر. به یزدان سوگند که من به وسیله علی، خدا را شناختم.

پیام: بزرگداشت حضرت علی

۳- بروای گدای مسکین در خانه علی زن / که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

قلمرو زبانی: مسکین: بدبخت و بیچاره، تهیدست / کرم: جوانمردی / را: حرف اضافه به معنای «به» / **قلمرو ادبی:** در خانه کسی را زدن: کنایه از

سراغ کسی رفتن، از کسی یاری خواستن / نگین: مجاز از انگشتری / تلمیح به داستان حضرت علی و گدا دارد (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا

الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ) / گدا: واژه آرایبی / نگین پادشاهی به کسی دادن: کنایه از بسیار بخشنده بودن

بازگردانی: ای گدای تهیدست، نزد علی برو و در خانه علی را بزنی؛ زیرا او انگشتری فرمانروایی اش را از روی جوانمردی به گدا می‌دهد.

پیام: بخشندگی حضرت علی

۴- به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من / چو اسیر توست اکنون به اسیر کن مدارا



قلمرو زبانی: پسر: منظور امام حسن است / قاتل: کشنده؛ منظور ابن ملجم مرادی است / مدارا: خوش رفتاری / پرسش انکاری / **قلمرو**

ادبی: تلمیح به داستان حضرت علی و ابن ملجم / که، اسیر: واژه آرای / واج آرای: «ک» / «که» نخست و دوم: جناس همسان (۱- چه کسی ۲- حرف پیوند)

بازگردانی: به جز از علی که به پرسش می‌گوید که چون قاتل من اسیر توست با اسیرت خوش رفتاری کن.

پیام: گذشت و بخشایش حضرت علی

۵- به جز از علی که آرد پسری ابوالعجائب / که علم کند به عالم شهدای کربلا را

قلمرو زبانی: آرد: به جهان می‌آورد / پسر: منظور امام حسین است/ ابوالعجائب: شگفت، شگفتی برانگیز / علم: پرچم (هم آوا؛ الم: درد)/ پرسش انکاری / **قلمرو ادبی:** علم کردن: کنایه از مشهور کردن، سرشناس کردن / تلمیح به داستان کربلا / علم، عالم: جناس ناهمسان / «که» نخست و دوم: جناس همسان (۱- چه کسی ۲- حرف پیوند) /

بازگردانی: به جز از علی که پسری شگفت به جهان می‌آورد و پرورش می‌دهد که شهدای کربلا را در جهان پرآوازه می‌گرداند.

پیام: بزرگداشت حضرت علی و فرزندش

۶- چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان / چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را

قلمرو زبانی: «چو»ی نخست: هنگامی که / دوست: دلبر، یار / پاک: تمام / باختن: از دست دادن (بن ماضی: باخت، بن مضارع: باز) / پاکباز: آن که همه هستی خود را می‌بازد / «چو»ی دوم: مانند / را: حرف اضافه به معنای «برای» / به سر بردن: زندگی کردن/ **قلمرو ادبی:** «چو»ی نخست و دوم: جناس همسان / به سر بردن: ایهام (۱- زیستن ۲- سر را نزد خدا بردن) / «که»ی نخست و دوم: جناس همسان (۱- چه کسی ۲- حرف پیوند) بازگردانی: اگر کسی از میان پاکبازان با دوست عهد ببندد، چه کسی همچون علی می‌تواند که وفادار بماند و برای حفظ وفاداری جان فشانند.

پیام: استوار پیمانی علی

۷- نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت / متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را

قلمرو زبانی: متحیر: سرگشته / شه: شاه، منظور حضرت علی است / ملک: سرزمین، کشور / فتی: جوان / **قلمرو ادبی:** تلمیح به عبارت «لافتی إلا علی؛ لاسیف إلا ذوالفقار» (هیچ جوانمردی جز علی نیست، هیچ شمشیری جز ذوالفقار نیست.) / ملک لافتی: اضافه تشبیهی / نه، توانمش: واژه آرای / واج آرای «ن»

بازگردانی: نه می‌توانم او را خدا بخوانم نه می‌توانم او را بشر عادی بگویم، سرگشته ام که شاه سرزمین جوانمردی را چه بنامم.

پیام: بزرگداشت حضرت علی

۸- چه زخم چو نای هر دم ز نوای شوق او دم / که لسان غیب خوش تر بنوازد این نوا را

قلمرو زبانی: چه: چرا / نای: نی / نوا: آواز، سرود، آهنگ، دارایی / شوق: اشتیاق / که: زیرا / لسان غیب: لقب حافظ / نواختن: ساز زدن (بن ماضی: نواخت، بن مضارع: نواز) / **قلمرو ادبی:** چه، چو: جناس ناهمسان؟ / چو نای: تشبیه، جانبخشی / نای: ایهام تناسب (۱- گونه‌ای ساز ۲- گلو) / دم:



مجاز از لحظه / واج آرای «ن» / نوای شوق: اضافه تشبیهی / دم: مجاز از حرف / دم نخست و دوم: جناس همسان / تناسب: نای، نوای، بنوازد، نوا / نای، نوای: جناس ناهمسان / واژه آرای: نوا / زدن: ایهام تناسب در معنای ساز زدن با واژه «نای» و «نوا» / بازگردانی: چرا مانند نای هر لحظه از شوق او سخن بگویم؛ زیرا که حافظ این آهنگ را بهتر می‌نوازد و آن را بهتر بازگو می‌کند.

پیام: دوستاری حضرت علی

۹- «همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی / به پیام آشنایی بنوازد آشنا را»

قلمرو زبانی: همه شب: سراسر شب، همه شب‌ها / آشنایی: دلبری، معشوقه‌ای / آشنا: عاشق، دلشده، خود حافظ / نواختن: نوازش کردن، دلجویی کردن / **قلمرو ادبی:** نسیم: نماد پیام رسانی / تضمین شعر حافظ نسیم صبحگاهی آشنا را بنوازد: جانبخشی بازگردانی: سراسر شب در این امید به سر می‌برم که نسیم صبحگاهی پیامی از دلبرم بیاورد و با این پیام از من دلجویی کند. **پیام:** امید به لطف دلبر

۱۰- ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب / غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریارا

قلمرو زبانی: نوا: آواز / مرغ: پرنده / مرغ یا حق: گونه‌ای مرغ / شهریارا: ای شهریار / شهریار: نام هنری، تخلص سخنور / **قلمرو ادبی:** دل شب: اضافه استعاری، میانه شب، اثنای شب / دل نخست و دوم: جناس همسان / دل دوم: مجاز از انسان / دوست: دلبر؛ معشوقه بازگردانی: ای شهریار، از آواز مرغ یا حق بشنو که در دل شب غم دلت را به دلبرت بگویی چقدر شیرین و دلنشین است. **پیام:** راز و نیاز

سید محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار)

درک و دریافت

۱- برای خوانش مناسب و تأثیرگذار این سروده به چه نکاتی باید توجه داشت؟ - شهریار در این غزل علاقه خود را به حضرت علی بازگو می‌کند و او را می‌ستاید؛ ازین رو لحن ستایشی - غنایی برای این سروده مناسب است.

۲- در این سروده به کدام ویژگی‌های شخصیت والای حضرت علی اشاره شده است؟ - مهر به مردم / خدانشناسی / بخشندگی / مدارا با دشمنان / فرزندپروری / پاکبازی